

نسیان فناوری



سیدمصطفی‌هاشمی‌طبا

جایزه نوبل سال جاری در اقتصاد به پژوهش‌هایی درباره رشد اقتصادی مبنی بر نوآوری اهدا شد. این جایزه به جوناث موکیر، تاریخ‌نگار اقتصادی دانشگاه نورت وسترن و فلیپ آگیون از مدرسه اقتصاد لندن و پیتز هاویت از دانشگاه براون تعلق گرفت. شناسایی پیش‌شرط‌های رشد پایدار از طریق پیشرفت‌های فناوریانه، ارائه نظریه‌ای درباره رشد پایدار از طریق تخریب خلاق، عنوان‌های پژوهش‌های انجام‌گرفته این دانشمندان است. البته از چندوچون تحقیق نام‌برداران و متن ارائه‌شده به بنیاد نوبل اطلاع دقیقی حاصل نیست و تنها خلاصه‌ای بسیار موجز از آن در دست است. حال اینکه تغییرات فناوری به رشد تولید ناخالص ملی و توانمندشدن اقتصاد می‌انجامد، امری بدیهی به نظر می‌رسد و در کشور ما نیز بسیاری از اقتصاددانان و اهل فناوری همواره در تأثیر رشد فناوری بر رشد اقتصادی تأکید داشته‌اند، اما گروه دیگری -بدون آنکه منکر فناوری‌های جدید باشند- رشد اقتصادی را در فروش بیشتر نفت و خدمات دانسته و نیز گروهی دیگر که اندیشه‌شان اصالت پول است (مانیتوریست‌ها) رشد اقتصادی را در تغییرات مالی و پولی و بانکی جامعه میسر می‌بینند و البته گروهی هم به‌حق -بدون توجه به کیفیت سرمایه‌گذاری- به سرمایه‌گذاری تولید برای رشد اقتصاد و بهبود معیشت مردم اعلام نظر می‌کنند، درحالی‌که به‌خوبی می‌دانند که سرمایه‌های داخلی مرتباً به‌خارج انتقال می‌یابد (طبق آمار مرکز پژوهش‌های مجلس در ۱۰ سال گذشته ۲۸۰ میلیارد دلار خروج سرمایه داشته‌ایم) و خارجیان از سرمایه‌گذاری در ایران یا منع می‌شوند یا به خاطر تحریم‌ها و سیاست‌های غرب و خودمان از هرگونه سرمایه‌گذاری در داخل اجتناب می‌کنند. حال از هر طریقی که بخواهیم به شکوفایی اقتصاد و رشد تولید ناخالص ملی (رشد با هزینه کم و نه مثل حال که اعداد تولید ناخالص ملی با هزینه بسیار به دست می‌آید) برسیم، لاجرم باید به ارتقای تکنولوژی داخلی -هم تکنولوژی تولید و هم تکنولوژی تولیدات- همت گماریم. درحالی‌که اگر مسئولان کشور اندکی هوشیاری داشتند، با وجود همه موانع در بسیاری زمینه‌ها می‌توانستند برای تغییرات کیفی و ارتقای فناوری عمومی در کشور اقدام کنند. ولی کلا این امر به فراموشی سپرده شده و نته‌نها هیچ تصمیمی اتخاذ نمی‌شود، بلکه گاه در برنامه‌ریزی ملی اشتباهات بزرگی مرتکب شده‌اند. می‌توانیم به برخی از این موارد اشاره کنیم؛ البته نمی‌توان منکر شد که برخی مبتکران و پژوهشگران به تکنولوژی‌های جدید ورود می‌کنند یا گرته‌برداری از ساخته‌های پیشرفته می‌کنند یا برخی قراردادهای لزوماً فناوری جدید را به دنبال دارد. اما آنچه مطمح نظر است، تغییراتی است که بتواند رشد اقتصادی و افزایش تولید ناخالص ملی را به دنبال داشته باشد.

۱- همان‌طور که واضح است، میلیون‌ها موتورسیکلت بنزینی علاوه بر مصرف بنزین و لطمه به اقتصاد ملی، موجب سروصدای ناهنجار و آلودگی هوا و افزایش بیماری‌ها می‌شود و چند کارخانه داخلی مرتباً قطعات موتورسیکلت بنزینی را وارد و با تبلیغات فراوان به فروش می‌رسانند. آیا اگر این کارخانجات موظف به تولید موتورسیکلت برقی می‌شدند، تحول فناوری و صرفه اقتصادی در سطح جامعه ایجاد نمی‌شد؟

۲- بر برنامه مقيم توسعه با يك اشتباه فاحش هدف از سال پنجم برنامه را توليد سه ميليون خودروی بنزینی نوشته‌اند. درحالی‌که ژاپنی‌ها به دنبال هیبریدی‌کردن خودروها و آلمانی‌ها در پی برقی‌کردن آنها هستند، اما همچنان حسب برنامه ملی تولید خودروی بنزینی را دنبال می‌کنیم و سپس انتقاد می‌کنیم که چرا مصرف بنزین بیشتر می‌شود. آیا نمی‌توان برنامه کارخانه‌ها و واردات را حسب تولید خودروی هیبریدی تنظیم کرد تا علاوه بر ورود تکنولوژی جدید، مصرف بنزین بدون افزایش مصرف برق کاهش یابد؟ ما همچنان به تکنولوژی قدیم وابسته‌ایم.

۳- درباره کولرهای آبی، فناوری‌های موتورهای جدید مصرف برق را به نصف کاهش می‌دهد و علاوه بر آن نوع جدید کولرهای آبی مصرف آب را نیز کاهش می‌دهد.

۴- ورود فناوری جدید یا به اصطلاح مرسوم «کشاورزی دقیق» موجب کاهش مصرف آب و افزایش کیفیت و کمیت تولیدات کشاورزی می‌شود. به‌جز موارد بسیار معدود، ما در کشور همان شیوه کشاورزی سنتی و به دور از نوآوری را دنبال می‌کنیم.

و تبدیل پسماندها و ضایعات کشاورزی می‌تواند تأثیر بسیاری بر رشد اقتصادی و مشکل جامعه و بازیابی ثروت‌های کشور بگذارد.

پنجشنبه ۱۵ آبان ۱۴۰۴
۱۵ جمادی‌الاول ۱۴۴۷
۶ نوامبر ۲۰۲۵
سال بیست‌ودوم
شماره ۵۲۴۸
۳۰ هزار تومان
۱۲ صفحه

روزنامه

در «شرق» امروز می‌خوانید:
• خودکشی؛ فریاد بی‌صدا
• پزشکیان در گفت‌وگو با مکرون: آمریکا و اروپا باید با اثبات صداقت خود اعتماد ایران را جلب کنند
• اولین آزمون اوسمار

«شرق» از تلاش تهران-پاریس برای تبادل اتباع و تأثیر آن بر معادلات هسته‌ای گزارش می‌دهد

میانجی خاموش میان تهران و پاریس

گزارش تینر یک را در صفحه ۲ بخوانید



زن گزارش را در صفحه۲ بخوانید.عکس Gettyimages

یادداشت

در پیچ‌وخم جدال برای بازآفرینی شهری



ترانه‌یلدا

معمار و شهرساز

آنچه در دانشگاه می‌آموزیم، آغاز کرد. و همان روز کاری خودش را چنین روایت کرد: «از ساعت هفت امروز تا هشت در جلسه‌ای بودم درباره اردوگاه جنگ‌زدگان در شهر فسا. فضایی تلخ که بعد از ۳۵ سال هنوز طاقت‌فرساست. ساکنانش زمان جنگ از خوزستان به فارس آمده‌اند و اردوگاه وضع خوبی ندارد. از ساعت ۸ تا ۹ با کارشناسان سازمان مدیریت بودم، در مورد بودجه شرکت بازآفرینی برای سال ۱۴۰۵ که جلسه‌ای چالشی بود. از ساعت ۱۰ تا ۱۲، جلسه‌ای بود در مجمع تشخیص مصلحت نظام درباره پیشرفت قانون برنامه هفتم که باید گزارش می‌دادیم. ساعت دو با کارشناسی از شیراز جلسه کوتاهی داشتم. بعد، در جلسه هیئتمدیره، بحثی چالشی با شرکتی خارجی داشتیم که ۲۰ سال پیش در ایران سرمایه‌گذاری کرده و تا الان کارش متوقف مانده است. تصمیم‌گیری کردیم... بعد آمده‌ام اینجا دانشگاه و از اینجا هم باید به جلسه

یادداشت

«به رئیس‌ت بگو من بانک را خریدم!»

تبارشناسی سرمایه‌داری قبیله‌ای در اقتصاد ایران



امیر نیکرویان

رسانه‌نگار

تاریخ اقتصاد ایران، مجموعه‌ای از «گست‌ها در صورت» و البته «تداوم‌ها در سیرت» است؛ چنان که بعینه می‌توان صورت و سیرت و به‌غایت متفاوتی را بر سیمای رنجور اقتصاد ایران دید و دریافت. اما برای فهم جوهر بیماری مزمن اقتصاد سیاسی‌ما، باید به یک داستان کلیدی بازگشت؛ روایتی ترازیک که نه‌فقط یک خاطره، بلکه به‌مثابه یک «آرکی‌تایپ» یا «کهن‌الگو» رخ می‌نماید. داستان از آنجا آغاز می‌شود که هژبر یزدانی با سوا، استفاده‌های مالی گسترده و خرید سهام بانک‌ها با چک‌های فاقد موجودی و برگشت‌نخورده، با هشدارهای جدی حسن‌علی مه‌ران (رئیس وقت بانک مرکزی) و امیرعباس هویدا مواجه می‌شود. هویدا از هژبر می‌خواهد سامانه بانکی را به حال خود واگذارد و در عوض در بازار کوشش سرمایه‌گذاری کند. اما هژبر، به جای

تمکین به قانون، به سراغ منطق «نفوذ» می‌رود. چندی پس از این ملاقات، رئیس بانک مرکزی نامه‌ای شدیدالحن از دادگستری دریافت می‌کند که چرا برای کارآفرین زحمت‌کشی همچون هژبر یزدانی دردرسر ایجاد می‌کنید؟! هژبر پس از این نامه حمایت‌آمیز، پیروزمندانه به دفتر هویدا می‌رود و به مسئول دفترش می‌گوید: «به رئیس‌ت بگو من بانک را خریدم!».

این گزاره، چکیده‌ای از سلطه ویرانگر منطق قبیله‌ای بر بوروکراسی مدرن است؛ جایی که اقتدار ناشی از نفوذ و برآمده از نزدیکی به کانون‌های قدرت، بر حاکمیت قانون و شایستگی تجاری غلبه می‌کند. امپراتوری هژبر، نه بر پایه نوآوری صنعتی یا کارآفرینی مولد، بلکه با اتکا بر شبکه‌های نفوذ سیاسی بنا شد؛ شبکه‌ای که از ارتشد نصیری و عبدالکریم ایادی در دربار تا پرویز تابتی در سوا،ک تقذیه می‌شد. این وابستگی ساختاری سرمایه به قدرت سیاسی، خصیصه‌ای است که ریشه‌هایش عمیق‌تر از یک فرد است؛ چراکه در منطق تاریخی‌ما نهفته است.

اما این ماجرا تنها قصه‌ای از فساد فردی نیست، بلکه تصویری از ساختاری است که ریشه‌هایش را باید در چارچوب‌های نظری اقتصاد سیاسی ایران جست. اقتصاد ایران بر بستر میراثی از «شیوه تولید آسیایی» شکل گرفته که در آن، مالکیت مؤثر بر منابع حیاتی (آب و زمین)، متمرکز در دست دولت مستقر و مسلط بوده است. با ظهور نفت،



معجزه‌های رخ‌نداد وصابر کاظمی درگذشت

قلب والیبال ایران ایستاد

۹

برگزیده‌ها

گزارش «شرق» از راه‌افتادن موج جدید علیه ازدواج کودکان

کابوس کودکان پای سفره عقد

۱۰

روایت ماندگاری خبریه «عترت بوتراب» در روزگار فراموشی اعتماد

۱۲ سال با دست‌های بی‌ادعا

۱۱

روایت استادان جامعه‌شناسی از فقدان خانه اندیشمندان که ساختمانش به‌تازگی تخلیه شده است

بستن پناهگاه گفت‌وگو

۸

آیا مقامات اقتصادی ایران می‌توانند با قضاوت، جسارت و جهت‌دهی خلاقانه، مسیر اقتصاد کلان را عوض کنند؟

از علم بی‌چهره تا نیاز به راهبران شجاع و خلاق اقتصادی

۶

نگاه

آیا شرکت ملی نفت ایران مسیر آرام‌کو را طی می‌کند؟

یک بام و دو هوای تجاری‌سازی شرکت ملی نفت

یادداشتی از عبدالحمید ثامنی

۴

یادداشت

مرثیه‌ای در سوگ پاکبانان عزیز



غلام‌رضا نظربند

تحلیلگر

در نخستین ساعات شروع هفته جاری (یک‌وینیم بامداد) خبری پخش شد که از تصادف یک دستگاه خودروی پرشیا با چند دستگاه خودروی عبوری از جمله یک دستگاه وانت حامل تعدادی از پاکبانان شهرداری حکایت می‌کرد.

خبر اعلامی وقتی فاجعه‌بار نمود یافت که معلوم شد وانت مزبور بعد از برخورد پرشیا به آن، واژگون شده و ۱۳ کشته و مجروح به جای گذاشته است. خبره‌های تکمیلی که متعاقباً انتشار یافت، از عمق فاجعه از چند منظر مختلف نشانه داشت. نخست آنکه خودروی عبوری قاتل با سرعتی بالغ بر ۲۰۰ کیلومتر در حال لای‌کشی بوده است. دیگر آنکه خودروی حامل پاکبانان وانتی بوده که دست‌کم ۱۳ نفر از اهالی این زحمتکش‌ترین قشر جامعه را با خود حمل می‌کرده است. سوم آنکه محل عبور، بزرگراهی درون‌شهری بوده است. در نگاهی آسیب‌شناسانه به حادثه، دستگاه‌های اداری مختلفی اگر مقصر نباشند، قصورشان محرز به نظر می‌رسد. یکی از آنها پیمانکار سازنده مسیر سانحه است که عبور بدون مانع خودرویی داخلی در بزرگراهی درون‌شهری با سرعت جنون‌آمیز از آن را ممکن کرده است. تشکیلات دیگر، راهنمایی و رانندگی است که اگر هم قاصر نباشد، باید دست‌کم پاسخ‌گو باشد؛ زیرا می‌توانست یا می‌بایست گامی در راستای کاهش تبعات منفی قصور یا تقصیر سازنده برمی‌داشت و در حد ممکن به امر ایمن‌سازی مسیر همت می‌گماشت و به‌عنوان مثال، گشت‌های بیشتری را هم‌باوری، جایگزین پیش براند و به خودروی حامل زحمتکشانی مانند پاکبانان در راه پاکیزه‌سازی زیست‌بوم‌مان بگوید و آنان را به جای رسیدن به سر کار، به گورستان و بیمارستان بکشاند، ترازوی بسیار دردناکی است.

۴۳
ادامه‌در صفحه ۵

۴۳
ادامه‌در صفحه ۸